



ترتولیان (Tertullianus)

در این نوبت از معرفی مشاهیر تاریخ کلیسا به زندگی ترتولیان (Tertullianus)،
خواهیم پرداخت.

او متولد حدود ۱۶۰/۱۵۵ میلادی در کارتاژ (Carthage) که اکنون در تونس است - و متوفی به تاریخ پس از ۲۲۰ میلادی در کارتاژ می‌باشد.

وی یکی از مهم‌ترین الهیدانان اولیه جدلی و اخلاق‌گرای اولیه مسیحی بود که به عنوان آغازگر کلیسای لاتین در شکل دادن به واژگان و اندیشه مسیحیت غربی بسیار مؤثر بود. او یکی از مدافعان لاتین قرن دوم است.

دانش زندگی ترتولیان تقریباً به طور کامل بر اساس اسنادی است که توسط مردانی که بیش از یک قرن پس از او می‌زیسته‌اند، و از ارجاعات مبهم آثار خود او نشأت گرفته‌اند. بر این اساس یک طرح کلی از زندگی او ساخته شده است، اما بیشتر جزئیات به طور مداوم توسط محققان مدرن مورد مناقشه قرار گرفته است.

او در کارتاژ به دنیا آمد، که در آن زمان (تقریباً ۱۵۵ - ۱۶۰ میلادی) پس از روم به عنوان دومین مرکز فرهنگی و آموزشی در غرب بود. ترتولیان در دستور زبان، بلاغت، ادبیات، فلسفه و حقوق تعلیمات برجسته‌ای داشت. اطلاعات کمی از اوایل زندگی او وجود دارد.

پدر و مادرش بت پرست بودند و پدرش احتمالاً یک افسر (درجه‌دار) در یک لژیون آفریقایی بود که تحت فرماندهی فرماندار فعالیت می‌کرد. پس از اتمام تحصیلاتش در شهر کارتاژ، احتمالاً در اواخر نوجوانی یا اوایل بیست سالگی به روم رفت تا به تحصیلات خود ادامه دهد و شاید به عنوان وکیل شروع به کار کند. به احتمال زیاد او نمی‌تواند همان حقوقدانی که در مجموعه‌ای از نظرات حقوقی رومی که با عنوان ترتولیان توسط امپراطور

بیزانسی قرن ششم، ژوستینین، گردآوری و ذکر شده، باشد؛ اگر چه برخی بر سر این موضوع مناقشه دارند.

هنگامی که او در روم بود، به جنبش مسیحیت علاقمند شد، اما زمانی که در اواخر قرن دوم به کارتاژ بازگشت، به ایمان مسیحی گروید. او هیچ گزارشی از تجربه تغییر مذهب خود به جای نگذاشت، اما در آثار اوّلیه‌اش، "به شهدا" و "به ملل" و "دفاعیه" او نشان داد که تحت تأثیر نگرشها و باورهای مسیحی خاص قرار گرفته است: شجاعت و عزم شهدا، پایبندیهای اخلاقی، و اعتقاد سازش‌ناپذیر در خدای واحد.

در پایان قرن دوم کلیسای کارتاژ بزرگ، مستحکم و به خوبی سازماندهی شده و به سرعت در حال تبدیل شدن به یک نیروی قدرتمند در شمال آفریقا بود. تا سال ۲۲۵ میلادی تقریباً ۷۰ اسقف در نومیدیا (Numidia) و پروکونسولاریس (Proconsularis) دو استان آفریقای روم، وجود داشت. ترتولیان به عنوان یکی از اعضای برجسته کلیسای آفریقا ظاهر شد و از استعدادهای خود به عنوان معلم در تعلیم جویندگانِ تعمید نیافته و ایمانداران و به عنوان مدافع ادبی (آپولوژیست) در عقاید و اعمال مسیحی استفاده کرد. به گفته سنت جروم (St. Jerome)، محقق کتاب مقدس قرن چهارم، ترتولیان به عنوان کشیش منصوب شد. اما این دیدگاه توسط برخی از محققان مدرن به چالش کشیده شده است.

ترتولیان تقریباً به طور کامل خود را وقف فعالیت‌های ادبی کرد. او با توسعه یک سبک لاتین اصیل مبدل به مبلّغی زنده و تند شد؛ هر چند او به عنوان ژرف‌بین‌ترین نویسنده در تاریخ مسیحیت شناخته نمی‌شود. آثار او پر از عبارات جذاب و به یاد ماندنی، سخنان مؤجز مبتکرانه، ایهامات جسورانه و طعنه آمیز، شوخ طبعی، نیش و کنایه‌های فراوان و واژگان ابتکاری و جریانی مستمر از انتقادات تند علیه مخالفانش همراه بود.

با این حال، او می‌توانست همچنان مهربان و حساس باشد، همان طور که در رساله Ad Uxorem به همسرش چنین بود، و همچنین او می‌توانست خود انتقادگر و متفکر باشد، همان طور که در رساله‌اش درباره صبر De Patientia در آن اعتراف کرد که این فضیلت به وضوح در زندگی‌اش وجود نداشته است.

به عنوان یک شخصیت تاریخی، ترتولیان بیشتر به خاطر نوشته‌هایش شناخته می‌شود تا اقداماتش. دامنه علاقمندی‌های او و نیرویی که با آن در پیگیری بود، سایر مسیحیان را تشویق کرد تا به زمینه‌های قبلاً بررسی نشده زندگی و اندیشه بپردازند. او همانند هم عصرانش، آثاری در دفاع از ایمان نوشت Apologeticum و رساله‌هایی درباره مشکلات الهیاتی علیه مخالفان خاص نوشت همچون: "علیه مرسیون (Adversus Marcionem)"، یک بدعت‌گذار آناتولی که معتقد بود جهان توسط خدای شریر یهودیان خلق شده است، "علیه هرموجن (Adversus Hermogenem)" یک نقاش کارتاژی که ادعا می‌کرد خدا جهان را از ماده‌ای ازلی خلق کرده است.

"علیه والننتینوس (Adversus Valentinianos)"، یک گنوسی اسکندران‌ی یا دوگانه‌گرا و "درباره رستاخیز جسم (De resurrectione carnis)".

او همچنین اولین کتاب مسیحی "درباره تعمید، (De baptism)"؛ کتابی درباره آموزه مسیحی بشر، "درباره روح (De anima)"؛ مقالاتی درباره دعا و عبادت "درباره دعا (De oration)"؛ و رساله‌ای علیه تمام بدعت‌ها، "درباره دستورالعمل‌های بدعت‌گذاران (De praescriptione haereticorum)" نوشت.

علاوه بر آثار دفاعی و جدلی، او به طیف وسیعی از مشکلات اخلاقی و عملی که مسیحیان زمانش با آنها مواجه بودند نیز پرداخته است: این که لباس مناسب چگونه است؛ استفاده از لوازم آرایشی، "درباره لباس زنان (De cultu feminarum)"؛ خدمت در

ارتش، "درباره تاج (De corona)" به عنوان زینت نظامی؛ آیا باید در زمان آزار و شکنجه فرار کرد، "درباره فرار در زمان آزار و شکنجه (De fuga in persecution)"؛ درباره ازدواج و ازدواج مجدد، "درباره تشویق به عفت (De exhortatione castitatis)" و "درباره تک همسری (De monogamia)"؛ درباره هنرها، تئاتر، و جشنواره‌های شهری، "درباره نمایشها (De spectaculis)"؛ "درباره بت پرستی (De idollatria)"؛ درباره توبه پس از تعمید، "درباره توبه (De poenitentia)"؛ و دیگر موارد.

مدتی قبل از سال ۲۱۰ میلادی ترتولیان کلیسای سنتی را ترک کرد تا به یک جنبش فرقه‌ای نبوی جدید معروف به مونتانیسم (که توسط مونتanos نبی فریجیه در قرن دوم تأسیس شد) که از آسیای صغیر به آفریقا گسترش یافته بود پیوندد.

نارضایتی او از سستی مسیحیان معاصر با پیغام مونتانیسم که شامل نزدیک بودن پایان جهان و اخلاق‌گرایی سختگیرانه همراه بود، همخوانی داشت. مونتانیسم هر گونه سازش با روشهای دنیوی را محکوم می‌کرد و ترتولیان خود را به طور کامل وقف دفاع از این جنبش جدید به عنوان سخنگوی بلیغ آن کرد. با این حال، حتی مونتانیست‌ها نیز برای ترتولیان به اندازه کافی سختگیر نبودند.

او در نهایت با آنها قطع رابطه کرد تا فرقه‌ای مستقل را بنیان‌گذاری کند که تا قرن پنجم در آفریقا وجود داشت. بنا بر عقیده رایج، او تا سنین پیری زندگی کرد. آخرین نوشته‌های او مربوط به حدود سال ۲۲۰ میلادی است، اما تاریخ دقیق مرگ او نامعلوم است.

در دوران باستان، اکثر مسیحیان او را به خاطر ارتدادش (رد ایمان قبلی‌اش) به مونتانیسم هرگز نبخشیدند. نویسندگان مسیحی بعدی به ندرت از او یاد می‌کردند و آن

نیز بیشتر به طور منفی. با این حال، با کمی اکراه، آنها به استعداد‌های ادبی و هوش تیز او اذعان داشتند. با این حال، محققان مدرن این دیدگاه‌های ابتدایی را ندارند.

از قرن نوزدهم، ترتولیان به طور گسترده‌ای مورد مطالعه و توجه قرار گرفت و یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در توسعه زندگی و تفکر مسیحی در غرب محسوب می‌شود. ترتولیان معمولاً به عنوان برجسته‌ترین نماینده نگرشی شناخته می‌شود که معتقد است مسیحیت باید به طور سازش‌ناپذیری در برابر فرهنگ پیرامون خود بایستد. با این حال، پژوهش‌های اخیر تمایل دارند این تفسیر را تعدیل کنند. به دلیل این که او از نظر طبع بیشتر یک اخلاق‌گرا بود تا یک فیلسوف - که احتمالاً منجر به پرسش معروف او شد: "آتن با اورشلیم چه ارتباطی دارد؟"

گرایش عملی و حقوقی ذهن او چیزی را بیان می‌کرد که بعدها به عنوان نبوغ منحصر به فرد مسیحیت لاتین تلقی می‌شد. مانند بیشتر مسیحیان تحصیلکرده زمان خود، او ارزش‌های فرهنگ یونانی - رومی را شناخت و قدردانی کرد و بین آنهایی که می‌توانست بپذیرد و آنهایی که مجبور بود رد کند، تمایز قائل شد.

در مورد ترتولیان چنین گفته شد که او کلمه تثلیث را ابداع کرد. "او زمانی که کلیسا تعلیم و نفوذ خود را در جهان لاتین زبان گسترش داد و زمینه‌های جدید و حاصلخیز در درک الهیاتی را گشود، او پیشرو بود. برای مثال، او کلمه تثلیث را ابداع کرد، کلمه‌ای که در هیچ کجای کتاب مقدس نیامده است."

آزار و شکنجه یک خطر همیشگی در زمان و جایگاه ترتولیان بود. مسیحیان اغلب از آن گیج می‌شدند. آیا این از طرف شیطان بود؟ آیا آنها باید برای اجتناب از آزار و شکنجه فرار کنند؟ ترتولیان خط مشی سختی را اتخاذ کرد که امروزه به اندازه همان زمان درک آن دشوار است زیرا او حتی آزار و شکنجه را از جانب خدا می‌دید: این هرگز بدون خواست

خدا اتفاق نمی‌افتد، و شایسته است - حتی در مواقع ضروری - که او این کار را انجام دهد، به منظور تأیید یا محکومیت بندگان. این غریب او است که حتی اکنون خرمنگاه خداوند را پاک می‌کند - و گندم شهدا را از کاه‌های ترسو جدا می‌کند ... (وقتی آزار و اذیت رخ می‌دهد)، کلیسا به شدت به هم می‌ریزد. آنگاه ایمانداران در آماده‌سازی خود دقت بیشتری به روزه و نگه داشتن ایام به دعا و خشوع، نیکویی متقابل و محبت، تقدس و اعتدال دارند. مردان دیگر جز برای ترس و امید وقتی ندارند. بنابراین روشن است که آزار و اذیتی که برای بهبود خدام خدا انجام می‌شود را نمی‌توان به شیطان منتسب کرد.

ترولیان احساس قوی و مستحکمی از حقیقت داشت و اغلب به انحراف کلیسا از دین به سوی دنیا و و در همراهی با بت پرستیهای آن، جهت خلاف را در پیش می‌گرفت. زندگی اجتماعی زمان او (درست مانند زمان ما اما با ظاهری کمی متفاوت) پر از بت پرستی بود.

ترولیان باور داشت که وجدان مسیحیان باید حساس به بت پرستیهای مرتبط با نمایشهای گلاادیاتوری، بازیهای خشونت آمیز، نمایشها، ادبیات، ادارات، و حتی انجمنهای تجاری باشد. "مسیح خداوند ما خودش را راستی نامید نه رسم." و مسیحیان باید از همراه شدن با این دنیا بپرهیزند. روح مسیحیت، به نوشته ترولیان، از فروتنی، صلح، و پاکی است، در حالی که نمایشهای عمومی و رویدادهای ورزشی تنها احساسات وحشیانه و خشم و شهوت را بر می‌انگیزانند. سخنان ناپسند از سوی خدا محکوم شده است، و آن چه که انسان نباید بگوید، نباید هم بشنود.

منتخباتی از نوشته‌های او درباره بدعت گزاران:

دستورالعملهایی درباره بدعت گذاران:

"ترتولیان نگران شیوه‌ای که مسیحیان با بدعت‌گزاران و بی‌دینان مناقشه می‌کنند و همچنین تأثیری که این امر بر ایمانداران دارد، است. او احساس می‌کند که هیچگاه امکان متهم کردن بدعتکاران از طریق کتب مقدس وجود ندارد، زیرا آنها به سادگی اعتبار هر قسمتی از کتب مقدسی که نقل قول شود را انکار می‌کنند و هر لحظه موضعشان را تغییر می‌دهند. در عین حال، منظره اختلاف باعث می‌شود که نظرات بدعتگران در همان سطح کتب مقدس به نظر برسد. در کل این موضوع به سؤالی در مورد شناسایی و برخورد با بدعت‌گران منتهی می‌شود؛ یعنی افرادی که به نظر مسیحی هستند اما در واقع هیچ اعتباری به جز نظرات خودشان نمی‌پذیرند.

در این مقاله، ترتولیان نشان می‌دهد که استفاده بدعت‌گران از کتب مقدس در مناقشه با مسیحیان کاملاً نادرست است. دلیل این است که آنها از کتاب مقدس استفاده نمی‌کنند، بلکه تنها سوءاستفاده می‌کنند. این بخش از متن درباره دو موضوع مهم است: در یک روش حقوقی به نام "Praescriptio" مبتنی بر مدت زمانی مالکیت بر یک دارایی، متهم با نشان دادن این که ادعای مطرح شده مزاحم (غیر منطقی) است مدعی از فرایند بررسی حذف می‌گردد. وقتی از منشأ و طبیعت بدعت بحث می‌شود، این نکته مطرح می‌گردد. (طبق گفته‌های ایرانوس) تنها صاحبان مشروع کتب مقدس - کلیساهایی که توسط نمایندگان رسول بنا شده‌اند و همان ایمان آنان را حمل می‌کنند - مجاز به استفاده از کتب مقدس در مناقشات هستند."

درباره بت پرستی:

افرادی که در مشاغل ساختمانی، تزئینات، حکاکی فعالیت می‌کنند باید از ساخت، تزئین یا به تصویر کشیدن بت اجتناب کنند، آنها بیکار نخواهند بود - همیشه کارهای ساختمانی عمومی در خانه‌های شخصی، اقامتگاه‌های رسمی، عمارتها، حمامها و غیره وجود خواهد داشت، و ذوق زندگی مجلل آنها را بیش از حد پیوسته در اشتغال نگه می‌دارد.

افراد متخصص نیز باید در پیشه خود مراقب باشند. یک مسیحی که می‌خواهد به عنوان یک ستاره‌شناس فعالیت کند، مورد سرزنش قرار می‌گیرد. معلمان هزینه‌های جشنهای دینی کافران را جمع‌آوری می‌کنند و بنابراین (معلمین مسیحی) نمی‌توانند در این جشنها تدریس کنند. اما یادگیری به عنوان خطا محسوب نمی‌شود چون یادگیری در مسیر خدا است و مسیحیان می‌توانند از امور مضر و جشنهای کافران دوری کنند.

تاجران باید از طمع دوری کنند و حرفه‌هایی که به ساخت و ساز، عبادت بت‌ها کمک می‌کنند غیر قابل قبول هستند. به عنوان مثال، نباید در مربیگری بازیهای گلا دیاتور دخالت کنید (چون اینها جز بازیهای جشنهای مذهبی آنها هستند، یا شما نباید مشغول تجارت گوشت معبد شوید (چون باعث حمایت مالی آنها است) و همچنین این گونه افراد نباید به کلیسا بپیوندند.

تحقیق، ترجمه و تألیف: زوفا رایان

شما می‌توانید جهت آشنایی بیشتر با مشاهیر تاریخ کلیسا، از وب سایت رسمی کلیسای خداوند عیسی مسیح به نشانی www.persian-ljc.com دیدن فرمایید.

منابع:

Wilken, R. L. (2024, November 8). Tertullian. In *Encyclopaedia Britannica*. Retrieved November 19, 2024, from

<https://www.britannica.com/topic/Church-Father>

Severance, D. (Ph.D.). (2020, July 17). Who Was Tertullian? His Writings and Significance. *Christianity.com*. Retrieved November 19, 2024, from

<https://www.christianity.com/church/church-history/timeline/1-300/tertullian-11629598.html>

Tertullian. (n.d.). *De praescriptione haereticorum* (On the prescription of heretics) [CPL 5]. *Tertullian.org*. Retrieved November 19, 2024, from

https://www.tertullian.org/works/de_praescriptione_haereticorum.htm